

## مستند (۶۴۱۰ روز اسارت)

زهره نجف زاده



و به این واسطه کشور ما را در مجامع بین المللی متجاوز اعلام کند.

زهره نجف زاده ضمن استفاده از آرشیو به دست آمده از زندان عراق و دیگر مواد خامی که از داستان حسین لشکری و دیگر اسرا دارد، بعضی صحنه‌ها و رویاها را با استفاده از ترفندهایی بازسازی می‌کند تا بهتر بتواند حس خاطراتی که در مصاحبه گفته می‌شود را به بیننده منتقل کند.

مستند ۶۴۱۰ روز اسارت، مستند سرراستی است، بدون پیچیدگی و با یک سادگی محض، هر چه را که باید می‌گوید، برادر، خواهر و خانواده، دوست و هم‌رزم و هم‌بند هر کدام و چهی از حسین را روایت می‌کنند.

آنچه در پایان مستند مخاطب را غافلگیر می‌کند، اتفاقاتی است که در پایان عمر و در سال‌هایی که در ظاهر باید در اوج رفاه باشد برای سرلشکر حسین لشکری رقم خورد، بی‌مهری‌ها و کم‌توجهی‌ها و واقعا شو که کننده هستند و در نهایت آن موقعی که هیچ کس انتظارش را نداشت، حسین آزاد شد.

اولین جملات را همسرش می‌گوید، در باره آن صبحی که رفت به مأموریت و دیگر بازنگشت و بعد خودش، یک خلبان جنگنده ایرانی که چند روز پیش از آغاز رسمی جنگ در اخل مرز عراق مورد اصابت قرا می‌گیرد و بعد هم اسارت و دیوارهای یک سلول چندمتری.

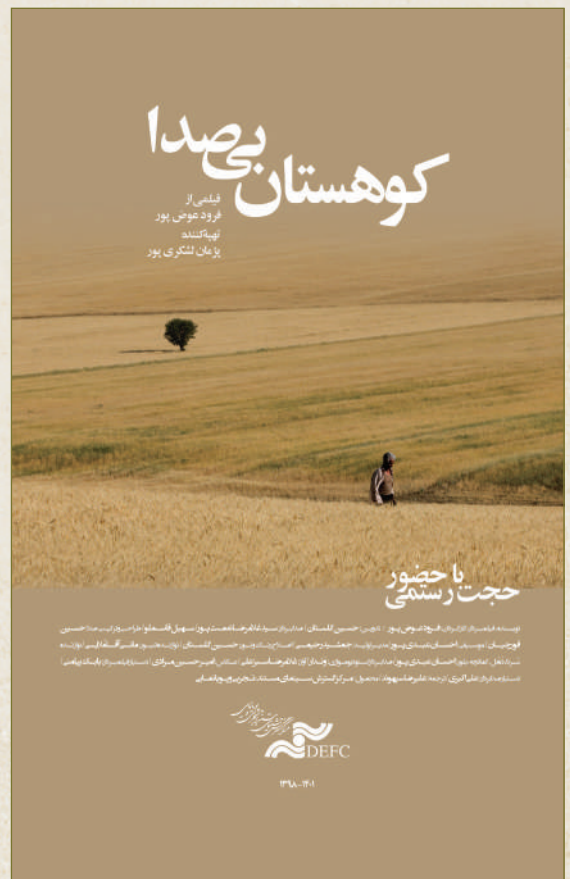
این صدای حسین لشکری است و آن منیژه بود، که باز روایت را دست می‌گیرد و از احوال بانویی جوان می‌گوید که زودتر از هر زن دیگری در ایران طعم بی‌خبری و بلا تکلیفی خانواده‌ی مفقودین را چشیده و البته بیشترین دوران اسارت همسرش را متحمل شده است:

۴۱۰ روز بعد نوبت به دیگر دوستان و همکاران می‌رسد که از شرایط سلول‌ها و نوع ارتباط با هم بگویند. هر چند هر روز در اسارت به اندازه‌ی یک سال است اما روایت این روزها را زود به پایان می‌برد تا برسد به قطعنامه و پایان جنگ و بگوید از اینکه همه بازگشتند، جز حسین.

و این آزمون دوباره‌ی «سید الاسرا» بود، چرا که صدام می‌خواست با تطمیع و تهدید و چه و چه از او اعتراف بگیرد که جنگ را ایران شروع کرده

## مستند «کوهستان بی صدا»

فرود عوض پور



رنگ‌های زیبا، رنگ تنهایی هم پیداست. حتی پس از اینکه خانواده‌ی رفته به خانه‌ی مرد باز می‌گردند او باز تنهاسست. کیفیت این قاب‌های زیبای حاصل هنر آقای کارگردان است.

موسیقی مستند «کوهستان بی صدا» را احسان عبدی پور ساخته و قطعات را با وسواس و هر جا که نیاز بوده نشانده است. موسیقی نواحی با آواهای سنتی که بیشتر با تک مضراب‌هایی در تک‌نوازی‌ها، باز یاد آور تنهایی مردی در کوهستان است. صدای داری و صداگذاری هم به خوبی صورت گرفته و همین فکر که شخصیت اصلی فیلم نمی‌تواند از هیچ‌کدام از این صداها گوش نواز لذت ببرد، بر تأثر ماجرا می‌افزاید. بازی‌های با شدت و ضعف صدا در نماهایی که بیانگر درک حجت ناشنوا از اصوات است، برای اینکه ما را با احساس و ادراک او آشنا و همدلی بیشتری با سوژه ایجاد کند، تکنیک موثری بوده که بارها در اثر استفاده شده و پیداست به نتیجه رسیده است.

حجت رستمی، پیر مرد هفتاد ساله‌ی ناشنوا، هر چند معلولیت دارد و از حواس پنجگانه‌اش یکی کم است، اما چنان عزم و اراده‌ی راسخی دارد که زندگی سخت و پر محصولش را یک تنه پیش می‌برد و در همین بزرگسالی کارهایی می‌کند که انجامشان برای جوانترها آرزوست. مستند «کوهستان بی صدا» حس غم و تحسین همزمان دارد. یک حس متناقضی در پلان‌ها و سکانس‌ها هست که هم دلت می‌خواهد جای او باشی، هم نه. جای او بی که فقط یک بار از قلمروش خارج شد تا شاید بعد این همه سال نجوایی به گوشش برسد. که آن هم ...

عمو حجت پیر مردی ساده‌دل و متکی به نفس است که یکه و تنه در کوهستان زندگی می‌کند، در خانه‌ای که هیچ همسایه‌ای ندارد و نه حتی گاز و آب لوله کشی. خانواده‌اش او را ترک کرده‌اند و اصرارهای او برای بازگشتن همسرش بی‌نتیجه است. پیر مرد باید خودش از عهده‌ی کارهایش بر بیاید، گوساله‌ها را تیمار کند و گاوها را بدوشد، هیزم بشکند و زغال مهیا کند، گندم بکارد و بدارد و بردارد.

فرود عوض پور، مستندساز با تجربه‌ی خرم‌بادی، کارنامه‌ی پر و پیمانی دارد؛ فیلم‌های داستانی و مستند و حضور در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی که ماحصل آن جوایز متعدد است. درباره‌ی آخرین اثر مستند او، «کوهستان بی صدا»، اصل مسئله حوصله است، او و دیگر اعضای گروه، به ویژه تهیه‌کننده‌ی اثر، برای خروجی گرفتن از تایم لاین عجله نداشته‌اند و گذاشته‌اند هر اتفاقی که لازم بوده است بیاقت. اینکه به پروژه‌ی مستندسازی به مثابه بنگاه زودبازده نگاه نکنیم و بگذاریم رخدادها آنطور که باید منعقد شوند، درسی است که از این مستند و رفتار حرفه‌ای تیم تولید می‌گیریم.

تصاویر ضبط شده، چنان که باید، همه‌اش زیبایی است. کوهستانی است که بشر آن را نیالوده و دست‌اندازی کمتری به آن کرده و سبزی بهار و سفیدی زمستانش پیداست، نماهای باز و بسته هر دو رشک برانگیزند و هر بیننده را به خود جلب می‌کنند. مستندساز هم مثل شخصیت فیلم وقت زیادی برای زیستن در آن محیط داشته و به نظر می‌رسد خوب و از سر صبر تصویر گرفته و در عمده‌ی پلان‌ها، بالای همه‌ی